

فراخوان حزب حکمتیست

به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهریور برویم!

علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!

صفحه ۳

سلبریتی، رهبر کارگری، سنتهای طبقاتی

سیاوش دانشور

صفحه ۴

تنها چیزی که از خود آزادی زیباتر است، ایستادن برای آزادی است!

بازنگری یک تاریخ تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان ۱۴۰۲

بخش اول: اتوبوسی که سپیده رشنو را با خود برد

پروین کابلی

صفحه ۶

امروز برای اجرای حکم یکسال حبس به زندان اوین رفتیم

عسل محمدی فعال چپ و کارگری

صفحه ۷

به یاد جانباختگان کمونیست ۱۴-۷-۲۰۰۰ شهر سلیمانیه

رحمان حسین زاده

صفحه ۸

بیانیه فعالین دانشجویی دانشگاه تهران

در واکنش به پذیرش نیروهای حشدالشعبی به عنوان دانشجو

صفحه ۹

علیه احکام شیعی اعدام و حمایت

از زندانیان سیاسی

صفحه ۹

سعید یگانه

جرم سپیده قلیان چیست؟

۲ سال زندان برای شعار علیه مقام اول

مملکت

سیاوش دانشور

صفحه ۱۰

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

صفحه ۱۱

۲۰۷  
مصلحتی  
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran  
Hekmatist

۲۳ تیر ۱۴۰۲ - ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۳

اعدام و کشتن جوانان مانع

خشم انقلابی توده ها نخواهد

شد!

ماموران امنیتی و اطلاعاتی دولت آدم کش جمهوری اسلامی دوزندانی سیاسی به نامهای موسی اسماعیلی اهل پیرانشهرو پیمان گلوانی اهل شهر مهاباد را زیر شکنجه های وحشیانه کشتند. نیروهای جنایتکار دولت خامنه ای موسی اسماعیلی را بعد از دو ماه ازیت و آزار و شکنجه از آنجایی که تسلیم زورگویی های آنان نشده به قتل رساندند و جنازه اش را تحویل خانواده او دادند. پیمان گلوانی جوان ۲۴ ساله بعلت مخالفت با جمهوری اسلامی و شرکت در اعتراضات خیزش انقلابی مهسا در تاریخ ۴ تیر توسط نیروهای اطلاعاتی در منزل دستگیر و بعد از دو هفته شکنجه و آزار جسمی و مقاومت در برابر خواست جلادان اسلامی، جسم شکنجه شده او را به بیمارستان منتقل و آنجا جان باخت. خبر جانباختن پیمان گلوانی ۲۴ ساعت پس از اعلام کشته شدن موسی اسماعیلی دیگر زندانی سیاسی منتشر شد.

شامگاه روز ۱۹ تیر مردم مبارزو جوانان انقلابی شهر مهاباد جنازه پیمان گلوانی را در فضایی پر از نفرت و کینه از بانیان این شرایط جهنمی، با شعار مرگ بر خامنه ای بدرقه و به خاک سپردند.

سران و مقامات قضایی جمهوری اسلامی هیچوقت حاضر نشدند مسئولیت جنایاتی که مرتکب می شوند به عهده بگیرند. مقامات قضایی کشته شدن پیمان

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



پیمان گلوانی همین راه را نشان دادند. گسترش اعتراضات توده ای، اعتراض و اعتصابات کارگری و نهایتاً قهر انقلابی و از پا در آوردن رژیم و کوتاه کردن دست این جانیان از جنایت و وحشیگری در حق مردم تنها راه ممکن برای خلاصی از این جهنم است. به سالگرد خیزش انقلابی مهسا نزدیک می شویم.

با جمع بندی از دستاوردها، نقاط قوت و ضعفهایمان، برای دور بعدی شروع اعتراضات و خیز برداشتن برای پایان دادن به عمر رژیم اسلامی سرمایه آماده شویم.

حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم آزادیخواه، کارگران، معلمان، زنان و جوانان را به مبارزه ای متشکل و قدرتمند برای پایان دادن به عمر رژیم اسلامی، آزادی همه زندانیان سیاسی در بند و گذر از این شرایط جهنمی که به اکثریت مردم کارگر و زحمتکش و زنان و جوانان جامعه ما تحمیل شده فرامی خواند. سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جنایتکار اسلامی نمی تواند خشم انقلابی توده های تحت ستم و استثمار را خاموش کند و جمهوری اسلامی را از سرنوشت محتومی که در انتظارش هست نجات دهد.

سردبیر

### پیمان گلوانی



### موسی اسماعیلی



## اعدام و کشتن جوانان مانع خشم انقلابی توده ها نخواهد شد!

گلوانی و موسی اسماعیلی زیر شکنجه را انکار کرده و مدعی شدند گلوانی به دلیل بیماری و اسماعیل در درگیری کشته شده است. مهرباب پوراکبر دادستان جنایتکار عمومی شهر مهاباد بیشرمانه گفته است که پیمان گلوانی به اتهام کلاه برداری بازداشت و در اثر بیماری در یکی از مراکز درمانی ارومیه فوت کرده است. این جنایتکاران آدم می کشند و به قتل می رسانند و به جامعه ام ریشخند می زنند.

نیروهای امنیتی و اطلاعاتی دولت تبهکار و جنایتکار خامنه ای در طول خیزش انقلابی تا کنون صدها معترض را کشته و زیر شکنجه به قتل رسانده اند. دهها نفر را اعدام و هزاران نفر را دستگیر و در زندانها اسیر کرده اند. به این امید که جامعه را ساکت و مردم دست از مقاومت و مبارزه برای جaro کردن حکومت فقر و فلاکت و جنایت بردارند. موسی و پیمان را برای ایجاد ترس و ارباب و با این هدف زیر شکنجه به قتل رساندند. این جنایتها هر روز در گوشه و کنار جامعه ادامه دارد. روز شنبه ۱۷ تیر اسماعیل دهقانی کارمند بخش اورژانس ۱۱۵ بیمارستان بهشتی کاشان ساعت ۱۲ ظهر در درگیری لفظی با وحوش اسلامی در خودرو با شلیک گلوله به سر او کشته می شود.

واقعیت این است که تا زمانی که جمهوری اسلامی در قدرت بماند ما باید روزانه شاهد کشتن و به قتل رساندن و اعدام جوانانمان باشیم. جمهوری جنایتکار اسلامی هیچ ابزاری جز سرکوب برای ادامه بقا ندارد. در این دوران خیزش انقلابی که می رفت این بساط ننگ و جنایت را از جامعه جaro کند فقط با کشتار و اعدام و دستگیری هزاران نفره توانست دوباره جان بگیرد و بر پا بماند. این دوره از اعتراضات و رفتار وحشیانه سران رژیم و نیروهای مزدور و جنایتکار خامنه ای با مردم و جوانان و زنان معترض جای شکی باقی نگذاشته است که این رژیم تبهکار را فقط با جنبش توده و کارگری قدرتمند و قهر انقلابی می توان پائین کشید و به عمر نگین آن پایان داد. رفتار وحشیانه رژیم اسلامی با مردم به آشکارا می گوید که می کشم و اعدام می کنم تا سرپا بمانم.

نباید به هیچ چیزی جز نیروی عظیم مردم متنفر از رژیم جنایتکار اسلامی متکی و دلخوش کرد. نباید به نق زدنهای حقوق بشری دولت های غربی و پارلمانهای اروپا در قبال این همه جنایت که جمهوری اسلامی مرتکب می شود، دل خوش کرد و انتظار کمک داشت. در شرایطی که مردم به پا خواسته اند و می خواهند از شر این حکومت جنایتکار قرن خلاص شوند، آمریکا و اروپا و دولت های منطقه زیر بغلش را گرفته اند که نیفتند. کمکش می کنند که سر پا بماند. اینها جمهوری اسلامی را بر خیزش مردم برای سرنگونی و دگرگونی انقلابی ترجیح می دهند.

هر نوع عقب نشینی و کوتاه آمدن از قصد سرنگونی به قیمت فقر و فلاکت بیشتر و کشتار و اسیر کردن جوانان ما می انجامد. ما راهی جز مقاومت و ایستادگی و پیشروی بسوی هدف را نداریم. مردم مبارز و جوانان انقلابی شهر مهاباد هم در جریان خیزش انقلابی هم در بدرقه

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## فراخوان حزب حکمتیست

## به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهرپور

## برویم!

## علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و

## فلاکت اقتصادی!



فساد و جنایت را به گورستانی بفرستیم که از آن بیرون آمده اند.

فراخوان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست اینست که سالروز قتل مهسا را به روز گرامیداشت کلیه جانباختگان برآمد انقلابی و تداوم حرکت انقلابی برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی بدل کنیم. از امروز تا شهریور ماه باید در سنگرهای مختلفی حضور یافت. از اعتصاب و اعتراضات کارگری تا حرکات توده ای و امور سازماندهی و رهبری اجزای کار ماست. دوباره برمی خیزیم! یاد یاران را با پر کردن سنگرها و تلاش برای پیروزی گرامی میداریم! علیه زن کشی و فقر و فساد و جنایت، علیه حکومت نکبت اسلامی سرمایه میدان می آئیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست  
۹ تیر ۱۴۰۲ - ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳



با قتل عمد حکومتی مهسا (ژینا) امینی، زنان و مردان آزادیخواه در روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ روبروی بیمارستان کسری و خیابان آرژانتین تهران جرقه اولین اعتراض را با شعارهای: "ما همه مهسا هستیم"، "می کشم می کشم آنکه خواهرم کشت"، "مرگ بر خامنه ای" و "بنام دین و قانون حلال شده خونمون" را زدند. اجتماعات گسترده بعدی در سقز و مراسم خاکسپاری مهسای عزیز و حجاب برگیران دستجمعی، بشکه باروت انزجار توده ای از حکومت ضد زن اسلامی را منفجر کرد. سلب آزادی و زندگی و ضدیت با زن و پشتوانه یک تقابل قدیمی زنان با حکومت اسلامی شعار؛ "زن، زندگی، آزادی" را به صدر راند. با اعتراضات توده ای و زن محور، حجاب سوزان، ضدیت علنی و توده ای با آخوند و دستگاه دین، تقابل با فقر و گرانی و خواست برابری و رفع تبعیض، جامعه وارد یک دوره انقلابی شد. قریب ۳۰۰۰۰ بازداشتی و ۱۰۰۰ جانباخته و ترور و اعدام آزادیخواهان نتوانست اراده انقلابی را درهم شکنند.

آخوندهایی که در هفت سوراخ پنهان شده بودند بعد از کاهش اعتراضات توده ای و سرکوب خشن، زبان درازی را مجدداً آغاز کردند. انتساب جنایتکار مشهوری مانند پاسدار رادان و تمهیدات حکومتی نتوانسته است سنگرهای فروریخته نظام را بازپس بگیرد. حجاب عملاً ورافتاده است و حکومت خامنه ای علیه قامت بلند انقلاب هیچ غلطی نمیتواند بکند. سرکوب حکومت با تعرض به سفره خالی دهها میلیون کارگر با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و طرح موسوم به "برنامه توسعه هفتم" قرار است جامعه را به یک برده داری تمام عیار سوق دهد و به تمکین بکشاند. این سیاستها اجزای مکمل و واحد تقابل ضد انقلاب اسلامی با برآمد انقلابی علیه امواج آزادی و برابری است.

در این دوره دیدیم که دولتهای دمکرات برخلاف ادعاهای صوری حمایت از حرکت انقلابی کنار جمهوری اسلامی و قاتلین عزیزان ما ایستادند. دیدیم که اپوزیسیون راست با امکانات زیاد اقتضاح ببار آورد و از سپاه و نیروی سرکوب حمایت کرد و مهمتر جامعه ایران دست رد به سینه آنها زد. بیش از پیش روشن شد که ما فقط میتوانیم روی پای خود بایستیم و به نیروی خود تکیه کنیم. برآمد انقلابی تنها میتواند به نیروی انقلابی و رهبری انقلابی و سیاست انقلابی متکی شود.

## کارگران، زنان و مردان و نسل پرشور انقلابی!

از امروز تا ۲۵ شهریور نبردهای مهمی پیش رو است. تابستان را میتوانیم باید به پیش درآمد بپا خاستن مجدد و سهمگین توده ای و انقلابی بدل کنیم. میتوانیم با ترکیب اعتراض و اعتصاب زمین را زیر پایشان داغ کنیم. میتوانیم سنگرهای جدیدی فتح کنیم و حاکمیت فقر و

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!





قلمرو حقوق فردی و اجتماعی و اقتصاد و سیاست و فرهنگ طرح شده است. سلبریتی در دنیای امروز ایندویدوالیسم تکامل یافته است که فردگرایی و فرد اتمیزه را تقدیس میکند. ما در جامعه ای زندگی میکنیم که علیرغم انقلابات صنعتی و تحولات تکنولوژیک و بارآوری کار، در بر همان پاشنه سابق می چرخد. کار مزدی و بردگی مزدی و

مالکیت خصوصی و استثمار فرد از فرد، ستون فقرات این جامعه است. امروز نفس ماندن در متن جامعه با سرعت تحولات تکنولوژیک یک سوال نسلی است. کسانی که نتوانستند خود را با نیازهای بازار و دانش تکنولوژیک و تحولات سرمایه داری هماهنگ کنند، از موضع سرمایه جزو "بی مصرف ها" و "مازاد جمعیت" محسوب میشوند و باید بگونه ای از "شر"شان خلاص شد. از آنجا که همیشه بعنوان نیروی کارکن محتاجیم و هیچوقت نمی توانیم نفس راحتی بکشیم، یک بخش از وجودمان شده آرزو کردن! آرزوی اینکه خوشبخت باشیم، آرزوی اینکه یكروز مثل استارها باشیم، مثل ابر انسان ها! اینکه عقاید مهجور و انواع فرقه های مذهبی و بیربط به زندگی واقعی و مادی و معنوی بشر مجال رشد می یابند، همین گسترش فاصله واقعیت بیرونی با آمال و آرزوهای انسانی است. خوشبختی برای اکثریت بالائی از مردم کره ارض همان معنای قدیمی را دارد؛ یعنی در آسایش بودن، سالم بودن، رفاه و امنیت داشتن، برخورداری از آموزش، مورد قبول واقع شدن در جامعه، حقوق داشتن، برابر بودن، نوع دوستی، هارمونی بین انسان و طبیعت، لذت بردن و مفید بودن، دنیا و انسانهایش را دیدن، سهمی گذاشتن در جامعه. اینها برای اقلیتی یک درصدی که بیش از هشتاد درصد ثروت و امکانات دنیا را در اختیار دارند عمدتاً پیش و پا افتاده است و خود بانی وضع نابسامان امروز جهانند. خوشبختی و احساس خوشبختی برای این اقلیت ناچیز در محیله کسی نمی گنجد، با اینحال آش بحدی شور است که بورژوازی نیاز دارد هر از گاهی به آمال دیرپاتر بشر چنگ بزند و با همین سلبریتی ها ادای "نوع دوستی" در بیاورد.

زمانی که سوسیالیسم در جهان هژمونی داشت، کم ستاره و سلبریتی نبود که برفع جنبشی برای تغییر جهان تلاش میکرد. امروز عمدتاً در خدمت منافع دولتهای سرمایه داری کار می کنند. در ایران سلبریتی مثل هر پدیده دیگر، بدلی تر و کاسه لیس قدرت و ارتجاع سیاسی است. سلبریتی های ما عمدتاً یا "سگ امام حسین" اند یا مجیزگوی خامنه ای و حاج قاسم، یا مثل اکثر ادبا و شعرا و هنرپندان اپورتونیست نان در خون جوانان میزنند تا سوبسید بگیرند. در ایران سلبریتی نشان بی عاری و بی مسئولیتی و ضدیت با مردم گرسنه است. هر کسی که پیش به دو برنامه تلویزیونی افتاد یا در مسابقات فوتبال چند گل زد، میشود سلبریتی یا اصرار دارد سلبریتی معرفی شود. سلبریتی در ایران شده بادکنکی که با باد کردنش طرف احساس شخصیت و هویت میکند. برخی که تا دیروز کسی جواب سلامشان را نمیداد، بدون چند نفر سکویریتی و بادیکارد بیرون میروند که مبادا مورد تهاجم "مردم عادی" قرار بگیرند!

سلبریتی ها تنها محصول حاکمیت و فرهنگ بورژوازی نیستند، خود ما هم در ایجاد و ارتقای آنها نقش داریم. بله، ما هم بسهم خود خالق سلبریتی ها هستیم، درست مثل ثروت سرمایه داران.

صفحه ۵

## سلبریتی، رهبر کارگری، سنتهای طبقاتی

سیاوش دانشور

رفیق کارگری درد دل میکرد که مشکل ما یکی دو تا نیست، غم نان شب و خانواده بیمار و فقر کم بود که حالا باید جواب دلخوری این و آن را هم بدهیم. میگفت: آشنائی زنگ زده و گفته خیابان دیدمت، سلام کردم، رد شدی و جواب ندادی، ناراحت شدم، بعد پیش خودم گفتم خب آدمها که سلبریتی میشوند دیگر دوستان سابق را نمی شناسند. رفیق کارگران توضیح داده بود که سوء تفاهم شده، اشتباه می کنید، در منگنه مشکلات دارم له می شوم، فکرم مشغول گرفتاری های بی پایان است، چشم نمی بیند، درک کنید!

این تصور و واکنش البته تعجبی ندارد. فضای عمومی جامعه به لطف سوشیال میدیا همین است. میان کارگران و چپ ها کم و بیش تصور مشابهی وجود دارد و رهبران عملی سرشناس کارگران را با "سلبریتی" ها یکی می گیرند و چه بسا برای سلبریتی شدن و کسب شهرت فردی مسابقه می گذارند. عجیب هم نیست، هر اندازه خلاف جریان باشیم و به وجود فرهنگ آوانگارد و ضد سیستم قائل باشیم، فرهنگ مسلط جامعه فرهنگ طبقه حاکم است.

### سلبریتی

سلبریتی یک واژه قدیمی انگلیسی است که از زمانی دور برای افراد مشهور و سرآمدان قلمروهای ورزشی، هنری، سیاست، ادبیات، مُد و فشن، علوم و اکتشافات، رسانه و غیره کاربرد داشت. ستارگان پاپ و راک و رگه های مختلف موزیک، فوتبالیستهای "پا طلانی" و ورزشکاران پرآوازه، هنرپیشه های معروف و بعدتر سوپر استارهای هالیوود، میان مردم "عادی" مورد توجه و الگو بودند، هواداران برایشان غش میکنند و یک عالمه کشته و مرده دارند. بویژه با انقلاب انفورماتیک و شبکه اینترنت و تغییرات شگرفی که در روابط انسانها بوجود آورد، سلبریتی مفهومی گسترده تر پیدا کرد. با پدیده اسمارت فون در دنیای سوشیال میدیا با شاخ های توئیتری، اینستاگرامی، تلگرامی و غیره روبرو هستیم. اگرچه میدان رقابت جهانی سلبریتی ها وسیع تر است اما میشود به ضرب پول و روبات و اقدامات جنجالی وارد این بازار شد. بمجرد اینکه از حدی عبور کردید، میزان لایک و قلب های دریافتی و تعداد فالاورها خود شاخص پیشرفت و رقابت در مسیر سلبریتی شدن است. این خودش یک سرمایه معنوی است که اساساً در خدمت تجارت واقعی یک سلبریتی قرار میگیرد. این مانند یک "نفس مسیحائی" است که به فرد جان و نیرو می دهد تا آنرا در خدمت ثروتمندتر شدن بکار گیرد، یكروز ممکن است مثل توپ قلقلی بالا رود و یكروز مانند باران بهاری پائین بیاید. سلبریتی برای بقا باید تولید کننده دائم نیاز فالاورها و هواداران باشد و گرنه مانند قیمت سهام در تابلوهای بازار بورس، نرخش میتواند ثانیه ای بالا و پائین برود. سلبریتی شدن و سلبریتی ماندن هزینه و کار میخواهد، درست مثل تولید و عرضه هر کالا در بازار.

### سلبریتی و جامعه بورژوازی

بورژوازی و لیبرالیسم کلاسیک تا مکاتب مختلف آن همواره از اصالت فرد سخن گفته اند. ایندویدوالیسم و فردگرایی و اصل اصالت فرد در ایدئولوژی بورژوازی در مقابل اصل اصالت انسان و سوسیالیسم در

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

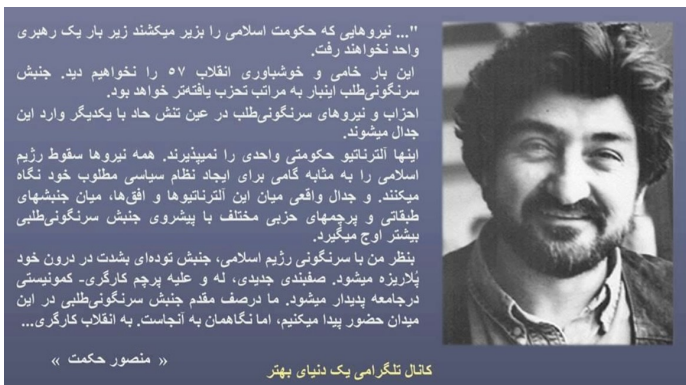
## سلبریتی، رهبر کارگری، سنتهای طبقاتی

سیاوش دانشور

به کارگر قبل از اینکه نشان احترام باشد یک توهین به رهبر کارگری و تقلیل جایگاه و شخصیت سیاسی وی است. متقابلاً جنبش طبقه کارگر بدون صفی از نمایندگان و پیشروان مورد اعتماد و وثوق کارگران مادیت نمی یابد و از معنی تهی میشود. رهبران مبارزات کارگری هم بدون اتکا به منفعت جمعی طبقه و قدرت کارگران معنی ندارند. این دو از هم غیرقابل تفکیک اند.

سلبریتی قدرتش فردی است و با غش و ضعف عده ای شارژ می شود، رهبر کارگری باید هر دقیقه فکر کند که من مسئولیت دارم، چطور رفتار کنم که منافع جمعی رعایت شود. هر جا رهبری یک حرکت کارگری از بدنه دور میشود، مانند سری که از تن جدا شده، هر دو به هم بی ربط می شوند. برای سرمایه داران کاملاً برعکس است. آنها میخواهند فرهنگ و سیاست خودشان را در جامعه و در میان کارگران جا بیاندازند. سلبریتی بازی میان کارگران دشمن اتحاد کارگری است و جنبش طبقه ما را از سنتهای مبارزه کارگری برای تحقق منافع طبقاتی دور میکند. سنت شورائی و رجوع به توده کارگران، آن سنگر محکمی است که به سلبریتی بازی مجال بروز نمیدهد. ما ضمن احترام به فردیت و آزادی و حریم شخصی و برسمیت شناختن آن، روی ریل منفعت جمعی و طبقاتی حرکت میکنیم. ما هم یک شهروند مملکت هستیم و بصورت فردی نیز هویت داریم. فرد کارگر اما ضعیف ترین موجود است چون سرمایه داری این موقعیت را به ما تحمیل کرده است. قدرت ما در باهم بودن، در اتحادمان، در منفعت واحد، در برابری و در طبقه بودن است. رهبران کارگری تنها در این چهارچوب معنی دارند. نمایندگان کارگران سلبریتی نیستند، با این لقب به آنها بی احترامی نکنید، کارگران را به این بازی بورژوائی نکشانید. هر کدام ما یکی از میلیونها هستیم که پیام اتحاد طبقاتی داریم و هرکسی که عملاً تجسم آنست، میان ما احترام و آتورپته اش بیشتر میشود. درست مانند تمام رهبران جنبش طبقه ما در کل تاریخ جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر.

۲۳ سپتامبر ۲۰۲۱



### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

ما کارگران هر روز سرمایه را از طریق کار اجتماعی فربه تر میکنیم و هرچه این سرمایه قویتر می شود خودمان ضعیف تر می شویم. سپس به سجده آنچه که خود ساخته ایم می نشینیم و آرزوی "او شدن" می کنیم. این هم برای خودش مذهبی است! سلبریتی محصول و یک کالای جامعه بورژوائی است، حاصل تکامل فردیت در ایدئولوژی بورژوائی و منطبق با تحول و تکامل سرمایه داری است. سلبریتی نماد شکاف عمیق فرد و جامعه، بیان جدائی مفرط انسان از همنوع خویش، شکلی پیشرفته از خود بیگانگی انسان در جامعه سرمایه داری است.

### رهبران کارگری سلبریتی نیستند

کارگران سلبریتی ندارند. رهبران کارگری محصول سوخت و ساز مبارزه جنبش طبقه کارگرند و بدون طبقه و در خود صرفاً یک شهروند محسوب می شوند. رهبر کارگری ژنرال بدون ارتش نیست، عنصر بیرون مبارزه جاری کارگری نیست، سازمانده و فعال مبارزه واقعی و اصل کارگری است. سرمایه بدون سلبریتی هم با استثمار نیروی کار خودافزائی میکند، اما رهبران کارگری بدون جنبش طبقه کارکردی ندارند. فرد بورژوا عضو از طبقه اش است و آزادی و رقابت وی در بازار جزو قانون اساسی سرمایه است، اما فرد کارگر هیچ قدرتی ندارد و پشتوانه رهبر کارگری قدرت متشکل طبقه اش است. بورژوازی به تمیزه کردن انسانها در کنج انزوی خویش برای تداوم حاکمیت طبقاتی نیازمند است اما جنبش طبقه کارگر بدون اتحاد و سازمان کارگری امکان هیچ تحرکی ندارد. جنبش کمونیستی طبقه کارگر انکار کل اوضاع موجود و محصولات اصلی و فرعی آنست. سوسیالیسم جنبشی برای آزادی از انقیاد و سلطه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اخلاقی نظم موجود است. سلبریتی بودن یا سلبریتی شدن با گروه خون ما کارگران و جنبش طبقه در تناقض عمیق است. در نظام سرمایه داری، فرد سرمایه دار و مالکیت خصوصی بر ابزار کار و تولید محور جامعه است. هرچه سرمایه ات بیشتر و گردن کلفت تر باشید، آزادی عمل فردی بیشتر و لاجرم قدرت و شهرت بیشتری دارید. در جنبش طبقه کارگر همین روال به جدائی رهبران عملی از طبقه و حل شدن در مکانیزمهای قدرت حاکم منجر میشود.

رهبر کارگری "سلبریتی" نیست، سخنگوی منافع جنبش واقعی و زنده کارگری است. فرد سرمایه دار و سلبریتی فقط منفعت خودش را دنبال میکند. سلبریتی دنبال شهرت فردی و هورا کشیدن و تشویق است و با اینها اوج میگیرد. او معتاد این انرژئی کاذب است چون شخصیت انسانی اش را سرمایه گرفته و به بیلوردی تبلیغاتی بدل کرده است. برای کارگر مسئله تماماً متمایز است، کارگر نیازمند آزادی فردی و اجتماعی و رهائی از یوغ سرمایه به مثابه یک طبقه است. سلبریتی شدن کارگر یعنی بازی کردن در زمین و چهارچوب سیاسی - ایدئولوژیک سرمایه داران. رهبر عملی کارگری هنوز یک کارگر است، بدون امتیاز خاصی، بدون حقوق اضافی و حتی با مخاطرات بیشتر. سخنگوی یک اعتصاب قدرتش را از نیروی کارگران اعتصابی میگیرد و بدون پشتوانه نیروی کارگران هیچ قدرتی ندارد. رهبران کارگران در هر دوره نمایندگان منافع جمعی کارگران و جنبش طبقه شان هستند، "سلبریتی" نیستند، نمی توانند باشند. رهبران کارگری و کمونیست هم در جامعه مشهور می شوند اما هر گردی گردو نیست، این اعتبار و شهرت مشروط و مقید به منافع طبقه است. سلبریتی گفتن

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



نهی از منکر استان تهران برگزار می شود.

محمدحسین سپهر فرمانده قرارگاه عملیاتی ستاد ملی مدیریت کرونا در جلسه قرارگاه عفاف و حجاب استان گیلان اظهار داشت «مسئولان باید آتش به اختیار عمل کنند. بی حجابی یکی از اهرم های مقابله با اساس انقلاب اسلامی است. «او بطور ضمنی اعتراف کرد که تحمیل حجاب اسلامی با شکست مواجه شده است و خطاب به نیروهای نظامی گفت «منتظر دستور نباشید»

در کنار همه ی این تبلیغات و سیاست «آتش به اختیار و منتظر دستور نباشید» در شهرهای مختلف صدها ماشین پلیس و گشت، موتورسوار و دسته های کنترل زنان پلیس و نهی از منکر در خیابانها و سرچهارراه ها، مراکز خرید، تجمعات، ورودی متروها، پاساژها و توقف و کنترل اتومبیل های شخصی، مراکز اداری، بیمارستان ها و بانکها گمارده شدند و بلندگوهای تبلیغاتی رژیم با دلقکهای شوهای تلویزیونی، همراه هزاران آخوند کپک زده، مرتجع ضد زن و عقب افتاده به خیابانها و مراکز روانه شدند تا به سرکوب زنان بی حجاب پردازند و دین و آئینشان را از سقوط کامل نجات دهند.

جامعه ایران در تب و تاب یک انفجار عظیم اجتماعی قرار گرفته بود. مرکز ثقل این انفجار زنان، حجاب اسلامی و جوانان بود.

در ۲۵ تیر ۱۴۰۱ برابر با ۱۶ جولای ۲۰۲۲ زن جوانی با نام سپیده رشنو که روزنامه نگار و ویراستار بود، در اتوبوسی به یک زن امر به معروف بنام رایحه ربیعی بدلیل فیلم گرفتن اعتراض می کند. رایحه ربیعی تهدید می کند که فیلم او را که بی حجاب است برای سپاه خواهد فرستاد.

در اعتراض به این کار سپیده رشنو با او درگیر می شود و همراه دیگر سرنشینان اتوبوس موفق میشوند که رایحه ربیعی را از اتوبوس به بیرون پرت کنند. فیلمهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی حمایت مردم از سپیده رشنو رانشان میداد.

فیلم این اتفاق وسیعا در شبکه های اجتماعی دست به دست شد. سپیده تنها نبود. این یک اتفاق تنها و درخود نبود. درگیری زنان با عاملین امر به معروف در همه جا تشدید شد. فیلم های درگیری زنان و جوانان شبکه های اجتماعی را پر کرده بود. مینی بوسهای گشت پلیس با زنان بی حجاب دستگیر شده به مراکز پلیس و بازداشتگاه ها منتقل می شدند و بعنوان موفقیت رژیم در سرکوب و ترساندن زنان پخش می شد. هم جا مقاومت در حال شکل گرفتن بود.

سپیده رشنو در ۲۶ تیر دستگیر شد و بعد از شکنجه فراوان فیلم اعتراف اجباری او را با روسری و صورت و چشمان کبود شده در تلویزیون ایران و شبکه های وابسته به رژیم پخش شد. «هشتگ سپیده رشنو کجاست؟» «حجاب بی حجاب» «به یک ترند وسیعا در شبکه های اجتماعی ایران و بسیاری از فعالین بین المللی تبدیل گردید. از آمنه سادات ذبیح پور بعنوان یکی از بازجویان سپیده در پروسه شکنجه و اعتراف اجباری نام برده شد. سه روز بعد از پخش فیلم اعتراف اجباری، سپیده رشنو بدلیل خونریزی داخلی ناشی از شکنجه به بیمارستان منتقل گردید. نیلوفر حامدی (این نام را بخاطر بسپارید) اولین خبرنگاری بود که با وکیل سپیده رشنو تماس گرفت و گزارشی را در این مورد منتشر نمود.

اما تاریخ مبارزه ی سپیده رشنو بر علیه حجاب اسلامی فقط به اتوبوس تیرماه ۱۴۰۱ محدود نمیشود. او قبلا از طرف دانشگاه الزهرا به دلیل پوشش از دو ترم تحصیل تعلیق شده بود. سپیده در

## تنها چیزی که از خود آزادی زیباتر است،

## ایستادن برای آزادی است!

### بازنگری یک تاریخ تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان ۱۴۰۲

بخش اول: اتوبوسی که سپیده رشنو را با خود برد

#### پروین کابلی

از دوسال پیش از تابستان داغ ۱۴۰۱ زنان عملا در بسیاری از شهرهای ایران رسماً بی حجاب ظاهر می شدند. این بی حجابی نه تنها فقط برداشتن روسری و یا روپوش نبود بلکه زنان با لباسهای مد روز و اختیاری دست در دست دوست پسر یا پارتنر خود در شهرهای مختلف ایران به وفور دیده می شدند. وضع طوری بود که حتی زنان کارمند شهرداری تهران بدون رعایت پوشش اسلامی در محل کار ظاهر شدند. در یک مراسم رسمی در شهرداری تهران زنی بدون حجاب تک خوانی کرده بود. این نقطه عطفی غیرقابل قبول برای رژیم بود. نقطه عطفی که می توانست به یک ترند جدی در ادارات دولتی تبدیل شود. رژیم مدتها بود که کنترل بی حجاب و انتخاب آزادانه لباس زنان را در مترو و کافه ها از دست داده بود. مهمانی ها و دورهمی های مختلط بدون حجاب اسلامی در پارک شهر و تفریحگاه های یک ترند تبدیل شده بود. مردم آزادی را هر جا که می توانستند تجربه میکردند.

با نزدیک شدن به روز ۲۱ تیر روز «حجاب و عفاف در تقویم جمهوری اسلامی» (رژیم با بسیج بیش از ۱۲۰ ارگان دولتی تصمیم قاطع داشت که تکلیف بی حجابی را با زنان در مکانهای عمومی و خیابانها روشن کند. توصیه ها و سخنرانی دایناسورها دیگر دردی را دوا نمی کرد.

کاظم صدیقی، رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور در ۱۹ تیر ۱۴۰۱ اعلام کرد: «در بحث عفاف و حجاب، اول دولت را مکلف کردیم تا وضعیت پوشش کارکنانش را سر و سامان بدهد و بعد از ادارات، به سراغ بازار و اصناف می رویم.»

در خرداد ۱۴۰۱ محمد صالحی هاشمی گلپایگانی دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر، در همایش عامران اعمال حجاب اجباری، اعلام کرد: «این ستاد طرح جامعی برای اعمال حجاب اجباری در ۱۱ عرصه اجرایی و فرهنگی تحت عناوین «قرارگاه ۲۱ تیر» و «قرارگاه جهاد» تبیین کرده است. «این در واقع اعلام جنگی تمام عیار علیه زنان بود. جنگی برای نجات یکی از مهمترین پایه های حکومت آپارتاید جنسی. چماق حجاب اسلامی برای کنترل زنان و جامعه ای که هر روز بیش از پیش بسوی نفی کلیت رژیم در حرکت بود.

در روز ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ روز جهانی اسکیت بُرد در شیراز صدها جوان زن و مرد تماشاچی شرکت کردند. حضور زنان عمدتاً بدون حجاب اسلامی چشمگیر بود. پلیس شیراز رسماً اعلام نمود که مراسم کشف حجاب در پایان مراسم اسکیت بازان رخ داده است.

روز ۲۱ تیر ۱۴۰۱ روز «حجاب و عفاف» (در حمایت از حجاب و عفاف در شهرهای بزرگ از جمله در مشهد، شیراز و تهران گردهمایی های دولتی برگزار گردید. سپاه حضرت محمد رسول اله هم در تهران با تبلیغات وسیع از قبل اعلام کرده بود که این روز در ورزشگاه آزادی از ساعت ۱۰ صبح با سخنرانی حجت الاسلام ابوترابی فرد امام جمعه موقت تهران و رئیس ستاد امر به معروف و

## تنها چیزی که از خود آزادی زیاتر است، ایستادن برای آزادی است!

بازنگری یک تاریخ تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان ۱۴۰۲

بخش اول: اتوبوسی که سپیده رشنو را با خود برد

پروین کابلی

این باره نوشته بود: «گفتم به عنوان یک شهروند برای لباسی که می پوشم حق انتخاب دارم» ... «رتبه ام ۴۰ شد. اما اینجا تکفیک جنسیتی و سهمیه ی هیئت علمی و سهمیه شیر مرغ و سهمیه جان آدمیزاد گردن کلفت تر بود. ماندم تهران. راه برگشتی در کار نبود. دوسال کار کردم، درس خواندم، با گرما و تاریکی و پشه های توی حیاط پانسیون کثافت کارمندی تهران کشتی گرفتم. سال آخر کمال گرایی را کنار گذاشتم و بالاخره ماراتن با موانع بسیار، بعد از چهارسال به خط پایان «الزهر» رسید. بعد کمیته انضباطی گفتند دو ترم برو مرخصی. گفتم مرخصی اجباری نمی روم. تعلیق کردند. گفتم من بعد از دو ترم تعلیق برمی گردم ولی با همین پوشش برمی گردم. گفتند آن موقع هم ممنوع ورود می شوی. به اسم تعلیق اخراج میکنند. سرکلاس راه نمی دهند آدم را.»

«ما ایستاده ایم. تنها چیزی که از خود آزادی زیبا تر است، ایستادن برای آزادی است»

سپیده رشنو در ۸ شهریور برابر با ۳۰ آگوست میلادی با وثیقه ی ۸۰۰ میلیون موقتا آزاد شد. مدتی بعد او در صفحه اینستاگرامی خود در مورد چاپ کتاب شعر خود بنام (درخت نام اوست) نوشت:

«چاپ کتاب به خاطر چاپ همزمان دیگر کتاب های جایزه ی شعر بامداد طول کشید. طرح جلد کتاب هم آماده شده بود که اتوبوس تیر ماه مرا با خود برد»

سپیده رشنو دیگر سپیده رشنو قبل از اتوبوس تیرماه نبود. او به نماد مقاومت و مبارزه زنان ایران علیه آپارتاید جنسی تبدیل شده بود. سپیده رشنو زن ایرانی تحت قوانین آپارتاید جنسی بود که به طول عمر نگین جمهوری اسلامی بر علیه دین و اسلام ایستاده بودند. بار دیگر هشتگ دیگری در پنجشنبه ۳۰ تیر ماه ۱۴۰۱ با عنوان من هم سپیده رشنو هستم شبکه های اجتماعی را فراگرفت. جایی در افق، در سپیده صبح، در قلبها و مغزها، زیر پوست ها، در مشت های گره کرده درجیب ها، در زندانهای سیاسی سپیده های تکثیر شده منتظر قیام می شدند.

۲۵ تیر ۱۴۰۱ روز اتوبوسی که سپیده رشنو را به تاریخ برد تا ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ روزی که مهسا امینی کشته شد فقط دوماه یعنی ۶۰ روز فاصله است. سیل در راه بود. انقلابی زنانه در راه بود.

ادامه دارد



گلوله های سربی جلاد است.

امروز رفتم تا برای مدتی کنارخواهران آزاده ام، در بند رویای آزادی سرزمینم را ببافم تا به تار و پودش رنگ عمل بپاشم.

آنجایی میروم که هوایش پر از بوی نسرين است و نیلوفر.

شبهایش ناهید در آسمانمان دلبری میکند، دلهايمان شوق بهار دارد و هر سپیده میخوانم

ای شادی، ای شادی آزادی

روزی که تو بازایی

با این دل غم پرورد

من با تو چه خواهم کرد

## امروز برای اجرای حکم یکسال حبس به

### زندان اوین رفتم

#### عسل محمدی فعال چپ و کارگری

این واقعیت که ایران آستان قیام های قریب الوقوع در اعتراض به افزایش و گسترش فقری بی سابقه و شدت فشارهای اجتماعی بر مردم خواهد بود، چنان عینی و غیر قابل انکار است که مقام های حکومتی را ناچار به اذعان و انذار آنچه پیش روی نظام است نموده و نهادهای امنیتی را به دستپاچگی برای پرونده سازی های پوچ و مذبحخانه برای فعالان سیاسی به امید ارباب و ساکت کردن هر معترضی.

آنچه جمهوری اسلامی هرگز نفهمید شدنی نیست. نه اجرای فله ای احکام چند معترض و نه انفرادی های رفقا و عزیزانمان در بندهای امنیتی و نه صدها ساعت شکنجه روانی برای اعتراف گیری، هیچ کدام نمیتواند جمهوری اسلامی را از سرنوشت محتومش، سرنگونی؛ رهایی بخشد.

ایمان "ما" به تحقق رهایی، آزادی و برابری هزاران بار پر زورتر از

**برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!**





روز بعد یکی از مقامات جمهوری اسلامی مراتب قدرانی دولتش را نثار رهبری اتحادیه میهنی کرد. بیست و سه سال از این واقعه گذشته است. جنبش کارگری و کمونیستی و صف آزادیخواهی و برابری طلبی و احزاب کمونیست کارگری در عراق و کردستان ضربات و لطامات جدی را در نتیجه این تعرض نظامی اتحادیه میهنی

متحمل شدند. اما مثل همیشه محاسباتشان غلط بود، با سرکوب و تعرض نظامی نمیتوان حق طلبی و آزادیخواهی و برابری طلبی، تلاش برای تغییر و تامین زندگی شایسته انسان را در جامعه جارو کرد. جنبش کمونیسم کارگری و احزاب کمونیستی و کارگری کماکان در جامعه عراق و کردستان در تلاشند تا صدای اعتراض کارگران و زنان و مردان آزادیخواه را نمایندگی کنند. در سالگرد جانباختن رفقای عزیزمان، به یاد پاک کمونیستهایی که در دفاع از محرومین و حق طلبی، و برای آزادی و برابری و کمونیسم در خیابانهای سلیمانیه به خون کشیده شدند، درود میفرستم. به سهم خود از کارگران و کمونیستها و اعضا و دوستان حزب حکمتیست میخوام به هرنحو ممکن یاد این عزیزان را گرمی بداریم.

\*\*\*

## به یاد جانباختگان کمونیست ۱۴-۷-۲۰۰۰

### شهر سلیمانیه

#### رحمان حسین زاده

چهاردهم ژوئیه هرسال و امسال هم یادآور تعرض سبعانه و جبنانه اتحادیه میهنی کردستان عراق علیه دفاتر علنی حزب کمونیست کارگری عراق در سال ۲۰۰۰ و جانباختن پنج رفیق عزیز ما است. با انتشار مجدد یادداشت سالها قبلم یاد رفقای جانباخته عزیزم را گرمی میدارم، رفقای که از نزدیک فرصت آشنایی و رفاقت و هم‌رزمی ولو کوتاه مدت را با آنها پیدا کردم و چهره مصمم و انسانی و انقلابی آنها همواره فراموش نشدنی اند.

در روز ۱۴-۷-۲۰۰۰ پنج انسان رزمنده و کمونیست که زندگی خود را وقف مبارزه برای رهایی محرومان و آزادی و برابری انسانها کرده و مستقیماً درگیر مبارزه جاری برای تامین رفاه و سعادت و خوشبختی در جامعه کردستان عراق بودند، پنج کادر احزاب کمونیست کارگری در عراق و ایران، رفقا - عبدالباسط محسن (شیخ عدیل) - محمد مصطفی (کریم) - ابراهیم محمد (هاوکار) - هاوری لطیف - امید نیک بین در نبردی نابرابر و در اقدامی جنایتکارانه توسط نیروی مسلح اتحادیه میهنی جان خود را از دست دادند. این جنایت از آن موقع تاکنون گریبان رهبری اتحادیه میهنی و سازماندهندگان آن را گرفته است. صف آزادیخواه و برابری طلب جامعه کردستان، ما کمونیستها، حزب حکمتیست و احزاب کمونیست کارگری کردستان و عراق این جنایت را فراموش نمی کنیم. پروسه قضایی و دادگاهی کردن مجرمین این واقعه با کارشکنی های اداری و زورگویی اتحادیه میهنی به حال تعلیق در آمده است. با این وصف این جنایت و تروریسم عریان به آسانی گریبان سران اتحادیه میهنی را رها نخواهد کرد و باید پاسخگو باشند.

#### چرا رفقای ما را کشتند؟

برای جواب به این سؤال تحلیل و حدس و گمان و موشکافی پیچیده لازم نیست. کافی است “ادعانامه” به اصطلاح “دادستانی” وقت اتحادیه میهنی، جناب نظر علی اکبر را در اوایل سال ۲۰۰۰ یعنی چند ماه قبل از هجوم نظامی اتحادیه میهنی به مقرها و دفاتر وقت حزب کمونیست کارگری عراق بیاد بیاوریم. در آن ادعانامه کذابی بیش‌رمانه و بی ابهام نوشته بودند، جرم حزب کمونیست کارگری عراق و کوشندگان کمونیسم کارگری اینست که “برابری زن و مرد را تبلیغ میکنند. - از زنان در مقابل اسلامیه و جریانات عشیرتی و مردسالاری حمایت میکنند. - در مقابل جریانات اسلامی ایستاده اند. - که خواهان اعلام استقلال کردستان عراق و پایان بیحقوقی و بی هویتی و بی آیدگی جامعه کردستان هستند” و ... خلاصه کلام جرم کمونیستها و پنج رفیق جانباخته ما این بود، که کارگران، زنان و جوانان و مردم کردستان را شایسته زندگی بهتر و تعیین مقدرات خود به دست خود و حاکمیت متکی به اراده کارگران و مردم میدانستند. اساس ناسازگاری و سپس حمله مسلحانه اتحادیه میهنی به کمونیستها و صف آزادیخواهی در همین واقعیت نهفته بود و هست. به علاوه در لحظاتی قبل از این جنایت، نوشیروان مصطفی نفر دوم وقت اتحادیه میهنی صریح و سرراست در دیدار با هیئت مذاکره کننده آن وقت حزب کمونیست کارگری عراق به سرپرستی عثمان حاجی مارف اعلام کرد، زیر فشار جمهوری اسلامی مجبور به فشار و تعرض علیه کمونیستها هستند. ناگفته نماند به عنوان پاداش انجام این جنایت چند



در حمایت از زندانیان محکوم به اعدام و تلاش برای نجات این عزیزان. عباس دریس، سامان یاسین، مجاهد کورکورو سایر زندانیان در بند



شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



## بیانیه فعالین دانشجویی دانشگاه تهران

### در واکنش به پذیرش نیروهای حشدالشعبی به عنوان دانشجو

#### حشدالشعبی



پیش از این نیز به اصطلاح استادان وابسته و شبه‌نظامیان بسیج را دیده بودیم که بر صندلی‌های غصبی تکیه زده‌اند و دست در جیب برادر بزرگ دارند، اما انگار برای تک قطبی شدن فضای دانشگاه کفایت نمی‌کردند و حالا باید شاهد لشکرکشی به دانشگاه باشیم. ما باید برویم تا آن‌ها ببینند، دانشگاه را با حذف و تعلیق و سرکوب از دانشجو خالی کرده‌اند و حالا نیروهای عاریتی گروه‌های نظامی عراقی را جایگزین ما می‌کنند.

بازار فروش تصاویر انسان و سرکوب آزادی‌خواهان به قدری گرم شده که آقایان برادر برادر گویان مهمان بر سر سفره پهن شده دعوت می‌کنند. بفرمایید، بنشینید، لقمه بزنید، صاحب‌خانه خود در حبس و اخراج و تعلیق است! آموزش کالایی، کنکور تجاری و سهمیه‌های سیاسی، تهی‌دستان و زحمت‌کشان را حتی از ورود به دانشگاه ناامید و ناتوان کرده و حالا نیروهای نظامی را جایگزین دانشجویان می‌کنند.

بدعت زودبندها و سهمیه‌های این‌چینی در گام اول استاندارد دوگانه‌ای را خلق می‌کند که عضو نظامی حشد الشعبی به سبب عضو نظامی حشدالشعبی بودنش به دانشگاه راه پیدا می‌کند اما طبقات پایین و نجس‌های\* ایدئولوژیک جامعه حتی با نخبه بودن توانایی ورود به دانشگاه را ندارند و اگر داشته باشند هم به بهانه‌های مختلف، از حجاب گرفته تا فعالیت دانشجویی، حق تحصیلشان خصمانه سلب می‌شود. نتایج فعالیت‌های (ستاد اجرای فرمان خیابان ۱۶-آذر) در گام دوم طراحی الگوی مدیریت نظامی کشور است که ظاهراً پیش‌نمایشش را با حضور اطلاعات، بسیج، سپاه و حشدالشعبی در دانشگاه تهران خواهیم دید.

در گرگ و میش تاریخ دانشگاه تهران از سراینندگان آواز استقلال آکادمی رسیده‌ایم به سرسپردگانی که با مدیریت آتش به اختیار مسیر استبداد نظامی را ریل‌گذاری می‌کنند. حضور این افراد در قامت مدیران دانشگاه ماحصلی ندارد جز تداوم حیات چرخه بلایا و بحران. امروز می‌دانیم که در دنیای ذهنی حضرات ما نه حقی برای تحصیل داریم و نه حقی برای زندگی.

۱۰ ماه از شروع قیام ژینا می‌گذرد، قیامی که ما در آن حق حیات را طلب کردیم و امروز حق حیات از مسیر بازپس‌گیری حقوق مدنی می‌گذرد. امروز چاره‌ای جز ایستادگی و پیشروی نداریم چراکه در دوراهی حذف و بقاء، انفعال به معنای تلف شدن است.

سیاسی توسط بیدادگاه‌های رژیم اسلامی - سرمایه باعث سخته مغزی و مرگ همسرش شد. حکم اعدام عباس دریس در دیوان عالی تأیید شده است. او دارای سه فرزند و مادری پیر است. برای نجات جان عباس دریس و سایر زندانیان در خطر اعدام، سامان یاسین، مجاهد کورکور، کارگر زندانی رفیق سلیمی تلاش کنیم. وقت آن است که درب زندان‌ها را با قدرت توده‌ای بشکاتیم و همه زندانیان سیاسی را از بند آزاد کنیم.



👉 نامه ای از علی دریس ۱۱ ساله به مردم دنیا

مردم مهربان دنیا!  
#من علی دریس بزرگترین فرزند عباس و کفایه هستم. متأسفانه مادرم با شنیدن خبر احتمال محکوم شدن پدرم به اعدام، سخته کرد و ما را تنها گذاشت. اکنون پدرم در خطر اعدام شدن هست، من و برادرانم مهدی دوازده ساله و محمد که هشت سال دارد، میبوسیم آیا این دنیا آنقدر بیرحم است که نگاه کند ما پدرمان را هم از دست بدهیم. ما سه کودک از همه سازمانها، دولتها و مردم مهربان دنیا و حتی کودکان در دنیا میخواهیم کمک کنند پدرم اعدام نشود. این خیلی وحشتناک است، کمک کنید پدرم به خانه برگردد.

#جان\_عباس\_دریس\_در\_خطر\_است

#اعدام\_قتل\_عمد\_وسازمان\_نافقه\_حکومتی\_وجنایت\_علیه\_بشر

ت است

#عباس\_دریس\_بدون\_قید\_وشرط\_باید\_آزاد\_گردد



## علیه احکام شیخ اعدام و حمایت

### از زندانیان سیاسی

سعید یگانه

#### تلاش برای نجات جان عباس دریس و سایر زندانیان سیاسی

#### محکوم به اعدام

توماج صالحی زندانی سیاسی را به ۶ سال زندان محکوم کردند. جرمی نداشت جز دفاع از آزادی خواهی و مبارزه علیه تبعیض و نابرابری حاکم بر جامعه. او صدای آزادی خواهی و برابری طلبی بود که سران رژیم را به تنگ آورد. او را تحمل نکردند و بعد از ۶ ماه آزار و شکنجه از آنجایی که به شکنجه گران تن نداد ۶ سال می خواهند در زندان نگه دارند تا صدایش به جایی نرسد، اما غافل از اینکه توماج در دل جامعه در میان جوانان و توده های زحمتکش جا دارد و جمهوری اسلامی با این تمهیدات نمی تواند توماج را از مردم بگیرد. اکنون عباس دریس کارگر زندانی، زندانی سیاسی و از معترضان خیزش انقلابی خونین آبانماه زیر تیغ حکم شیخ اعدام است.

عباس دریس شاهد جنایت اوباشان اسلامی در نيزار معشوردر خیزش انقلابی خونین ابانماه در ماهشهر است. او تحت شکنجه های روحی و جسمی و ادار به اقرار علیه خود شد. خبر حکم اعدام این زندانی

**نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!**

اجتماعی پاسخ گوید. انقلاب اصولاً رخ میدهد تا حکومت و قدرت اعلیحضرت ها را درهم بکوبد.

۲۲ تیر ۱۴۰۲



صدای زندانی سیاسی رفیق سلیمی فعال کارگری شهر سنندج  
باشیم. جان او در خطراست



۱۵ سال است که دخترم زینب جلالیان زندانی  
سیاسی را ندیده ام. صدای او باشید!



## جرم سپیده قلیان چیست؟ ۲ سال زندان برای شعار علیه مقام اول

مملکت

سیاوش دانشور

خبر را دیده و شنیده اید. خانم سپیده قلیان بعد از چهار سال و هفت ماه زندان و سالها تبعید و اذیت و آزار روز چهارشنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۱ آزاد شد. سپیده بدون حجاب بیرون آمد و دم درب زندان شعار داد: «خامنه‌ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک!» «وی بلافاصله توسط نیروهای امنیتی در مسیر منزل بازداشت و به زندان بازگردانده شد.

مدتی بعد داستان شکایت آمنه سادات بازجو- خبرنگار روی صحنه آمد که وی از سپیده شکایت کرده است. اینکه آمنه سادات چه موجود انزجارآوری است و چه کارنامه شنیعی دارد بجای خود محفوظ، اما اینجا و در این کیس مشخص، آمنه سادات سپر بریدن جرم برای «توهین به رهبری» است. سپیده علیه خامنه‌ای شعار داده و دقیقاً به همین دلیل به دو سال زندان، دو سال منع عضویت در گروه‌های سیاسی و اجتماعی، ممنوعیت استفاده از تلفن همراه هوشمند و منع اقامت در تهران و استان‌های همسایه محکوم شده است. این همه برای یک شعار علیه خامنه‌ای!

در جمهوری اسلامی همیشه «توهین و اسائه ادب به رهبری» جرم داشته است. در «قانون مجازات اسلامی» توهین به رهبر در ماده ۵۱۴ مورد حکم قرار گرفته است که طبق آن: «هر کس به حضرت امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی رضوان الله علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. «بگذریم که شعار را نمیشود حتی «توهین» تلقی کرد. به اعلیحضرت خامنه‌ای جانشین خمینی «توهین» شده است.

دوستی تعریف میکرد که زمان شاه هم وقتی کسی مست میکرد و جلوی مجسمه اعلیحضرت چیزی به شاه میگفت، چون مست بود و سیاسی حساب نمیکردند، فقط پاسبانها میبردند شهربانی کتک میزدند و تا صبح در سلول نگاه میداشتند و پنج تومن و دو ریال جریمه میکردند. توهین به اعلیحضرت در مستی هم جرم داشت. در هشیاری که ساواک چوب تو آستینت میکرد.

در مورد سپیده بالاترین حد حکم طبق قانون خودشان اعمال شده است. دو سال حبس با دو سال انواع محرومیت اجتماعی ترکیب شده تا قانون اسلامی با زندان و بستن دهان و محرومیت جلوی «توهین به اعلیحضرت ها» را بگیرد. اگر نتوانیم با هر مقام مملکتی با جوک و طنز و کاریکاتور و هجو و غیره انتقاد یا مخالفت کنیم، یعنی بدبهی ترین بخش آزادی بیان با تراشیدن «مقدسات» و مرزهای ممنوعه زنده بگور شده است. بزعم قانون حاکم که منافع طبقات حاکم را پاس میدارد، انسان در چنین جامعه‌ای برده‌ای بیش نیست. مسئله برسر «توهین» نیست، برسر اسارت جمعی و انکار موجودیت ماست.

انقلاب از آنرو ضروری میشود که کلیه راه‌های ابراز وجود اجتماعی بسته شدند و تنها یک تغییر رادیکال میتواند به این بن بست و فلج

مرگ بر سرمایه داری!



کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
۷ جولای ۲۰۲۳ - ۱۶ تیر ۱۴۰۲

### ترور یکی دیگر از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران

سیامند شایویی فعال سیاسی اهل آشنویه و از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران در نزدیکی شهر "بحرکه" از توابع هولیر (اریل) پایتخت حکومت اقلیم کردستان، ترور شد. بر اساس گزارش یکی از منابع حقوق بشری کردستان، ظهر روز چهارشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۲ (۱۲ جولای ۲۰۲۳)، پیکر بی‌جان یکی از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران به نام سیامند شایویی اهل آشنویه در یک ساختمان نیمه‌کاره واقع در روستای "قادرآباد" از توابع شهرستان بحرکه واقع در ۱۰ کیلومتری اریل، کشف شده است. به گفته این منبع، پیکر این فعال سیاسی در حالی پیدا شده که پشت سر هدف چند گلوله قرار گرفته است.

### تداوم اعتراضات مردم زاهدان

روز جمعه ۱۶ تیرماه، مردم زاهدان طبق روال جمعه‌های اعتراضی و در حمایت از توماج صالحی، عباس دریس و زندانیان سیاسی مجدداً دست به تظاهرات زدند. آنها با در دست داشتن پلاکاردهای اعتراضی و سردادن شعارهای در محکومیت سیاستهای سرکوبگرانه رژیم اسلامی، خواستار آزادی توماج صالحی، عباس دریس و همه زندانیان سیاسی شدند.

### تجمع اعتراضی کارکنان ایلام

روز شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۲، کارکنان استانداری ایلام در اعتراض به عدم تحویل زمین‌های شرکت تعاونی مسکن دست به اعتراض زدند. فاز دوم تعاونی مسکن کارکنان استانداری ایلام از سال ۹۰ با خرید یک قطعه زمین از استانداری ایلام تشکیل و بعد از گذشت ۱۲ سال، اداره کل راه و شهرسازی استان مدعی است که این قطعه زمین متعلق به آن دستگاه بوده و از صدور مجوزهای لازم جهت ساخت و احداث مسکن برای اعضا جلوگیری می‌نماید. لازم به ذکر است قبلاً اداره کل راه و شهرسازی در کارگروه مسکن استان نسبت به واگذاری این زمین، موافقت خود را اعلام نموده است.

### تجمع کارگران پیمانکاری صنعت نفت با خواست حذف پیمانکار

روز شنبه ۱۶ تیرماه ۱۴۰۲، جمعی از کارگران و کارکنان پیمانکاری نفت با حضور در تهران و برگزاری تجمعی در مقابل نهاد ریاست جمهوری خواستار حذف پیمانکار نیروی انسانی شدند. در این تجمع که کارکنانی از شرکت‌های ملی مناطق نفتخیز جنوب، ملی حفاری و ... نیز حضور داشتند، نسبت به عدم تحقق وعده‌ی دولت درخصوص حذف پیمانکار نیروی انسانی اعتراض کردند. کارکنان پیمانکاری شاغل در مناطق عملیاتی نفت که بعلت حضور در محیط کار امکان شرکت در این تجمع را نداشتند با ارسال دست نوشته‌هایی ضمن حمایت از همکاران خود خواستار حذف پیمانکار نیروی انسانی شدند.

تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی دهلران

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در رابطه با ترور دو تن از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران در اقلیم کردستان!

بامداد روز جمعه ۱۶ تیرماه، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی دو عضو حزب دموکرات کردستان را در شهر "قلعه دزه" در اقلیم کردستان ترور کردند. در این عملیات تروریستی عادل مهاجر و لقمان آجی جان باختند و یک فعال سیاسی دیگر به نام سعدی مرادپور بشدت زخمی شده. جمهوری اسلامی سابقه طولانی در ترور برون مرزی فعالین و مخالفین سیاسی خود دارد. اما دست زدن به چنین جنایاتی در این برهه زمانی مشخص تلاشی برای اثبات مجدد قدر قدرتی و نمایش ظرفیتی بالا در خلق جنایت و وحشیگری در داخل و خارج مرزهای خود برای بند و بست با حکومت‌های منطقه و سایر دول مرتجع است. جمهوری جنایتکار اسلامی بدنبال خیزش انقلابی دوره اخیر برای نجات خود از شبح سرنگونی حاضر به هر بند و بست و خلق هر جنایتی است. بیش از ۱۵ هزار زندانی و اجرای صدها حکم اعدام و کشتار در زندان‌ها تنها گوشه‌ای از بربریت و تروریسم عریان علیه مردم معترض و اپوزیسیون در داخل و خارج مرزهاست.

همکاری حکومت اقلیم کردستان با جانیان جمهوری اسلامی هم امر تازه‌ای نیست. سردمداران این حکومت به جای حفاظت و تامین امنیت اپوزیسیون ایرانی مستقر در آن منطقه، بیشترین تلاش را برای حفظ و تحکیم رابطه با جمهوری اسلامی و در جهت استمرار وابستگی سیاسی و اقتصادی به حکومت اعدام و سرکوب بکار برده اند. سران ریز و درشت احزاب اقلیم کردستان در همکاری و همسویی با جمهوری اسلامی و میدان دادن به جریان‌های ریز و درشت ارتجاعی مذهبی، زمینه ساز جولان تروریست‌های اعزامی از طرف جمهوری اسلامی در اقلیم کردستان هستند.

چراغ سبز دولت‌های ریاکار غربی به جمهوری اسلامی و بند و بست و معاملات کثیف این دولت‌ها از جمله آزاد کردن تروریست‌های حرفه‌ای جمهوری اسلامی در واقع هموار کردن راه برای دست زدن به ترور بیشتر و اعدام مخالفین در داخل و خارج از ایران است. هرچند جمهوری اسلامی در سایه ترس و وحشت از خروش انقلابی و برای بقا خود دست به چنین جنایاتی می‌زند، امروز اما شیشه عمر این رژیم هار در دست توده‌های عاصی و جوانان معترض و پر شور است که حکم به سرنگونی این حکومت سرکوبگر داده اند. هیچ درجه از اعمال خشونت و ایجاد جنایت مانع از عزم و اراده مردم متحد و معترض برای سرنگونی انقلابی این رژیم نخواهد شد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ضمن محکوم کردن این ترور جنایتکارانه به خانواده و بازماندگان این قربانیان تسلیت می‌گوید و از همه جریان‌ها و انسان‌های آزادیخواه می‌خواهد برای لگام زدن به موج جدید ترور جمهوری اسلامی از هر طریق ممکن بکوشند.

مرگ بر جمهوری اسلامی



## ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

**تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کهر**

روز سه‌شنبه ۲۰ تیرماه، جمعی از کارگران پروژه پتروشیمی دهلران در اعتراض به تعطیلی این پروژه و بیکاری حدود ۲۰۰۰ کارگر مقابل فرمانداری ویژه شهرستان دهلران دست به تجمع زدند.

### خودکشی یکی از کارگران شرکت قطارهای مسافری رجا

یکی از کارگران پیمانکاری شرکت قطارهای مسافری رجا پس از اخراج از سوی مدیریت شرکت با پریدن روی ریل قطار و اصابت با لوکوموتیو به زندگی خود پایان داد. هویت این کارگر ۵۸ ساله آقای صدیقی عنوان شده است که با بیش از دو دهه سابقه کار و در پی سیاست‌های مدیریت شرکت رجا خصوصاً بختیاری مدیرعامل شرکت به بهانه عدم نیاز به نیرو از کار اخراج شده بود. لازم به ذکر است که با توجه به ماهیت سخت و زیان‌آور بودن کار در راه آهن، آقای صدیقی می‌بایست بازنشسته می‌شد اما به گفته دیگر کارگران، مدیران راه آهن با تبنانی با بیمه مانع از محاسبه طرح مشاغل سخت و زیان‌آور برای این کارگران شده‌اند.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی

روز یکشنبه ۱۸ تیرماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز، کرمانشاه، شوش و هفت تپه در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل سازمان تأمین اجتماعی این شهرها دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

### اعتراض بازنشستگان مخابرات

روز دوشنبه ۱۹ تیرماه ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان مخابرات خوزستان، خراسان رضوی، کردستان، کرمانشاه، شیراز و تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی مجدداً مقابل ساختمان شرکت مخابرات این شهرها دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی فرهنگیان بازنشسته شهرستان ممسنی فارس

روز سه‌شنبه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۲، جمعی از فرهنگیان بازنشسته شهرستان ممسنی استان فارس متعاقب فراخوان از پیش اعلام‌شده و در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری

روز سه‌شنبه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۲، جمعی از بازنشستگان کشوری کرج، سنندج، کرمانشاه، اردبیل و یزد متعاقب فراخوان از پیش اعلام‌شده و در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی مجروحان جنگ هشت ساله ایران و عراق

روز شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۲، مجروحان جنگ هشت‌ساله مقابل بنیاد شهید تجمع اعتراضی برپا کردند که با سرکوب تجمع‌کنندگان روبرو شد. نیروهای امنیتی با استفاده از گاز اشک‌آور به تجمع‌کنندگان یورش بردند. تعدادی از مجروحان جنگ که در تجمع روز شنبه حضور داشتند بازداشت شده و تعدادی نیز مورد حمله و ضرب و شتم قرار

گرفتند.

### نامه علی فرزند ۱۶ ساله عباس دریس به مردم جهان

مردم مهربان دنیا! من علی دریس بزرگترین فرزند عباس و کفایه هستم. متأسفانه مادرم با شنیدن خبر احتمال محکوم شدن پدرم به اعدام، سگته کرد و ما را تنها گذاشت. اکنون پدرم در خطر اعدام شدن هست، من و برادرانم مهدی دوازده ساله و محمد که هشت سال دارد، می‌پرسیم آیا این دنیا آنقدر بیرحم است که نگاه کند ما پدرمان را هم از دست بدهیم؟ ما سه کودک از همه سازمانها، دولتها و مردم مهربان دنیا و حتی کودکان در دنیا می‌خواهیم کمک کنند پدرم اعدام نشود. این خیلی وحشتناک است، کمک کنید پدرم به خانه برگردد. علی دریس ۱۶ ساله.

### دو جوان افغانستانی در پرونده شاهچراغ اعدام شدند

روز هفدهم تیر ۱۴۰۲، جمهوری اسلامی نعیم هاشم‌قتالی و محمد رامز رشیدی، دو جوان افغانستانی در پرونده شاهچراغ را در ملاء عام اعدام کرد. پیشتر در تاریخ ۴ آبان ۱۴۰۱، مصادف با چهل و نهمین روز از شیراز صورت گرفت ۱۳ نفر کشته و ۳۰ نفر زخمی شدند. در این رابطه، با فاصله ۲ هفته وزارت اطلاعات ۲۶ تبعه کشورهای افغانستان، جمهوری آذربایجان و تاجیکستان را دستگیر کرد. شنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۱ کاظم موسوی، رئیس کل دادگستری استان فارس، هویت دو فرد محکوم به اعدام در رابطه با پرونده شاهچراغ را محمد رامز رشیدی و سید نعیم هاشم‌قتالی اعلام کرد و گفت که اتهاماتشان "افساد فی‌الارض"، "بغی" و "اقدام علیه امنیت کشور" است.

### جانباختن موسی اسماعیلی زندانی سیاسی زیر شکنجه

روز شنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۲ اداره اطلاعات ارومیه با خانواده موسی اسماعیلی زندانی سیاسی، متعاقب ۶۲ روز بازداشت وی تماس گرفته و "بدون هیچ گونه توضیحی" به آنها اعلام کرده که جهت تحویل پیکر فرزندشان به این نهاد امنیتی مراجعه کنند. پس از مراجعه به این نهاد امنیتی اعلام کرده اند فرزند شما مرده و نه تنها جنازه را به این خانواده تحویل نداده‌اند به آنها گفته شده که حق برگزاری مراسم ختم در مسجد را نیز ندارند.

### جانباختن پیمان گلوانی زندانی سیاسی زیر شکنجه

بنا به گزارش‌ها نگاو پیمان گلوانی، جوان ۲۰ ساله اهل مهاباد، ۱۴ روز پس از بازداشت توسط نیروهای امنیتی و انتقال به بازداشتگاه اداره اطلاعات شهر ارومیه، زیر شکنجه‌های وحشیانه جان باخته است. روز چهارشنبه ۱۴ تیر ماه ۱۴۰۲ بدلیل عدم هوشیاری از بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه به بیمارستان خمینی این شهر منتقل شده بود. ماموران امنیتی به خانواده گلوانی اعلام کرده‌اند که وی به دلیل «سقوط از ارتفاع» به کما رفته است. طی چند روزی که پیمان گلوانی تحت مراقبت‌های ویژه بوده دو نفر از ماموران امنیتی در بیمارستان حاضر بوده و اجازه هیچ گونه ملاقاتی به اطرافیان نداده‌اند صرفاً یک بار خواهر پیمان موفق شده که پیمان را ببیند. خواهرش اظهار داشته «بدن و سر و صورت پیمان پر از کیبوی بود». خاکسپاری پیکر زنده یاد پیمان گلوانی با حضور گسترده مردم و سردادن شعارهای "شهید نمی‌میرد" و "آزادی خون می‌خواهد، فرزند نترس می‌خواهد" برگزار شد. مردم مهاباد در این مراسم خاکسپاری اعتراضی به قتل حکومتی پیمان گلوانی زیر شکنجه نهادهای امنیتی اعتراض کردند.

مشهد به ریاست قاضی منصوری به ۱۶ سال زندان، ۳ سال تبعید و ۳ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدید نظر عینا تایید شد.

**بازداشت ربیوار عبداللہی توسط نیروهای امنیتی در سنندج**  
بامداد روز چهارشنبه ۲۱ تیرماه ۱۴۰۲، ربیوار عبداللہی فعال کارگری شهر سنندج در نزدیکی "حسین‌آباد" از توابع دیواندره توسط نیروهای امنیتی شهر سنندج بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. بر اساس این گزارش نیروهای امنیتی با ارائه حکم قضایی وی را بازداشت کرده‌اند. تاکنون از دلایل بازداشت، محل نگهداری و اتهامات مطروحه علیه این شهروند اطلاعی در دسترس نمی‌باشد.

**دادگاه رسیدگی به اتهامات رفیق سلیمی برگزار میشود**  
پس از گذشت بیش از ۷ ماه بازداشت، دادگاه رسیدگی به اتهامات رفیق سلیمی روز یکشنبه ۲۵ تیرماه ۱۴۰۲ برگزار می‌شود. سلیمی پیشتر نیز در تاریخ ۲۷ فروردین ماه ۱۴۰۲، به دادگاه انقلاب سنندج احضار شده بود. در جریان این جلسه دادگاهی، رفیق سلیمی به اتهام «ایجاد گروه‌های غیرقانونی و اقدام علیه امنیت ملی کشور» و «افساد فی‌الارض» (تفہیم اتهام شده است. به گفته خانواده رفیق سلیمی، این فعال کارگری در جلسه دادگاهی کلیه اتهامات مطروحه علیه خود را رد کرده و به دفاع از خود پرداخته است. رفیق سلیمی روز چهارشنبه ۲۸ دی‌ماه ۱۴۰۱ پس از گذشت بیش از ۵۰ روز بازداشت و شکنجه در بازداشتگاه‌های اداره اطلاعات، به زندان مرکزی سنندج منتقل شده است.

\*\*\*



**رژیم جنایتکار اسلامی خودعامل جنایت در شاهچراغ شیراز است و این دو جوان افغانی بی گناه وی دفاع را به نامهای محمد رامز رشیدی و نعیم هاشمی قتالی را به این اتهام در ملا عام اعدام کردند.**

ننگتان باد جلدان



## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

**تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر**

**توماج صالحی به شش سال و سه ماه حبس محکوم شد**  
اکانت توینتری منتسب به «توماج صالحی»، خواننده رپ معترض نوشته است که او براساس رای اولیه دادگاه، به اتهام «افساد فی‌الارض» به شش سال و سه ماه حبس محکوم شده است. «رزا اعتماد انصاری»، یکی از وکلای آقای صالحی، روز دوشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۲، ضمن تایید این خبر در گفتگو با شرق گفت: «بر اساس رای صادره، فقط مجازات اشد در قبال توماج که همین شش سال و سه ماه حبس با احتساب ایام فعلی بازداشت است، اجرایی خواهد شد. او همچنین از اتهامات توهین به بنیانگذار انقلاب و رهبری و ارتباط با دول متخاصم تبرئه شده است.»

**سپیده قلیان به ۲ سال زندان محکوم شد**  
سپیده قلیان، فعال کارگری زندانی، به ۲ سال زندان، منع عضویت در گروه‌های سیاسی-اجتماعی، استفاده از تلفن هوشمند و اقامت در تهران و استان‌های همسایه به مدت ۲ سال قطعی محکوم شده است. او اسفند گذشته پس از آزادی مقابل زندان علیه خامنه‌ای شعار داد و بلافاصله بازداشت شد.

**نازیلا معروفیان خبرنگار و دانشجوی علامه بازداشت شد**

روز شنبه ۱۶ تیرماه، نازیلا معروفیان، پس از حضور در دادرسی اوین بازداشت شد. هفته گذشته نیروهای وزارت اطلاعات به منزل این دانشجوی و خبرنگار یورش بردند و ضمن ضبط وسایل الکترونیکی، گفته بودند باید روز شنبه به دادرسی اوین برود. وی پس از حضور در دادرسی اوین بازداشت شده است.

**محکومیت فرهاد نوایی دانش‌آموز اهل مهاباد**

فرهاد نوایی، دانش‌آموز ۱۶ ساله اهل شهرستان مهاباد که از هشت ماه قبل در جریان اعتراضات انقلابی بازداشت شده بود به زندان محکوم شد. فرهاد توسط دادگاه کیفری ویژه نوجوانان استان آذربایجان غربی در مهاباد به دو سال حبس محکوم شده است.

**تائید حکم پنج سال زندان داود رضوی در دادگاه تجدید نظر**

به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، رای دادگاه بدوی علیه داود رضوی، عضو بازنشسته این سندیکا در دادگاه تجدید نظر تائید شده است. وکیل مدافع رضوی در تماس با خانواده او اعلام کرد «سه شنبه ۶ تیرماه لایحه اعتراض نسبت به حکم ناعادلانه علیه این کارگر زندانی تقدیم دادگاه تجدیدنظر شد، و منتظر بودند تا شعبه تجدید نظر مشخص شود، اما در تاریخ ۱۱ تیرماه ابلاغیه‌ای ارسال و در آن نوشته شده بود که پرونده به شعبه ۳۶ برای بررسی و رسیدگی فرستاده و حکم ۵ سال حبس تعزیری علیه داود رضوی عینا در دادگاه تجدید نظر تائید شده است.»

**هاشم خواستار به ۲ سال و ۶ ماه حبس جدید محکوم شد**

هاشم خواستار معلم و فعال سیاسی در زندان وکیل آباد مشهد به دلیل پرونده جدیدی که در زندان علیه وی گشوده شده است، از سوی دادگاه انقلاب مشهد به اتهام "توهین به خامنه‌ای و تبلیغ علیه نظام" به ۲ سال و ۶ ماه زندان محکوم شده است. هاشم خواستار روز ۲۰ مرداد ۱۳۹۸ توسط سرکوبگران حکومت بازداشت و سپس در شعبه ۴ دادگاه انقلاب

**مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر!**

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب  
پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی  
سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی  
ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده  
رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان  
صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج  
نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

دبیر اجرایی  
همایون گدازگر

[Homayon\\_1954@yahoo.de](mailto:Homayon_1954@yahoo.de)

**PARLOW TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegan@gmail.com](mailto:saidyegan@gmail.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که  
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست  
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.  
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!